



عنوان مقاله: نقش معلم در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات

نام و نام خانوادگی نویسنده: اصغر یوسف پورپورناکی  
وابستگی سازمانی نویسنده: کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی

## چکیده

معلمان به عنوان افرادی که بیشترین تاثیر روی جامعه دارند، نقش بسیار مهمی در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات دارند. آن‌ها نه تنها مسئولیت آموزش دانش‌آموزان را دارند، بلکه نقش مثبت و اثرگذاری در شکل‌دهی به اخلاق و ارزش‌های جامعه دارند. یک معلم با ارائه مطالب آموزشی مناسب و تربیتی صحیح، می‌تواند به شکل قابل توجهی در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات کمک کند. او با ارتقاء دانش و ارزش‌های دانش‌آموزان، می‌تواند آن‌ها را از راه انحرافات دور نگه دارد. علاوه بر این، معلمان می‌توانند با انجام نقش‌های تربیتی و پرورشی، به تقویت اخلاق و ارزش‌های جامعه کمک کنند. با توجه به نقش بسیار مهم معلمان در جامعه، آن‌ها باید به شکل مناسب و حرفه‌ای آموزش داده شوند تا بتوانند به بهترین شکل ممکن در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات نقش بسته باشند. همچنین، باید توجه به نقش خانواده و سایر نهادهای اجتماعی نیز داشت تا بتوان به شکل جامع و هماهنگ در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات فعالیت کرد. با توجه به اینکه معلمان نمایندگان اصلی آموزش و تربیت هستند، آن‌ها باید با آگاهی و مسئولیت پذیری بالا، به شکل مناسب در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات فعالیت کنند. این نقش بسیار حساس و مهم است و نباید آن را به سبک خودرو تلقی کرد. منظور اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات، همچنین شامل ترویج فرهنگ سازماندهی شده، همکاری با خانواده‌ها و سایر نهادهای اجتماعی، و ترویج رفتارهای مثبت و سازنده است.

**واژگان کلیدی:** معلمان، اصلاح جامعه، آموز، انحرافات، فرهنگ

## مقدمه

معلم در نظام آموزشی مؤلفه های تأثیرگذار و تحول آفرین در فرآیند آموزشی و تربیتی است. این اهمیت تا آنجاست که برخی معتقدند معلم، کارایی و کفایت او، آئینه ی تمام نمای کفایت و کارایی هر نظام آموزشی است. ژاپنی ها بر این باورند که شایستگی هر نظام آموزشی به اندازه ی شایستگی معلمان آن است (رضایی، ۱۳۹۳: ۵۳) در امر مهم تربیت به طور کلی، باور و ایمان مربی، نقشی اساسی دارد چنانکه حضرت علی (ع) می فرمایند: هرگاه گفتار گوینده با نیت او همگون گردد، شنونده، گفتارش را می پذیرد و هرگاه گفتار با نیت او ناهمگون باشد، گفتارش به در دل خوبی شنونده نمی نشیند ثانیاً، مربی باید اهل عمل باشد (خان محمدی، ۱۳۸۷: ۲۳) امام علی (ع) کارکرد مثبت عامل بودن مربی را اینگونه بیان می نماید: "کسی که خود را رهبر مردم قرار می دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد؛ و پیش از آنکه به گفتار، تربیت کند، با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آنکه خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است از آنکه، دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد(نهج البالغه، حکمت ۷۰)

یکی از مهم ترین امور و مسائل آموزش و پرورش در جهان معاصر، به ویژه در کشورهای جهان سوم که از لحاظ فناوری آموزشی هنوز پیشرفت نکرده اند، مسئله معلم است؛ زیرا معلم نسل ها را به همدیگر ارتباط می دهد؛ فرهنگ جامعه را حفظ و در صورت نیاز تغییر می دهد و تکامل می بخشد. همچنین معلم به رفتار دانش آموزان شکل می دهد و افراد مورد نیاز جامعه را تربیت می کند. از این رو به عقیده متخصصان آموزش و پرورش، برنامه درسی، سازمان مدرسه و وسائل آموزشی، هر چند که اهمیت خاص خود را دارند، اما در برابر اهمیت معلم ارزش چندانی ندارند؛ زیرا اوست که به همه آنها جان می بخشد و آنها را نتیجه بخش و سودمند می سازد. به همین دلیل امروزه در کشورهای پیشرفته، با وجود پیشرفت های خارق العاده فناوری، به خصوص فناوری آموزشی، هنوز جایگاه استاد و معلم محفوظ است؛ چون هیچ ماشینی نتوانسته است جای او را بگیرد (آمار، ۱۳۸۷: ۳۳). از همین رو و به دلیل جایگاه و نقش مهم معلم، او باید با دانش آموزان رفتار مسئولانه و محبت آمیزی داشته باشد تا آنها، با علاقه و اشتیاق در مدرسه حاضر شوند و او را الگو قرار دهند. از آن جایی که دانش آموزان دبستانی به رقابت با یکدیگر می پردازند و می خواهند از دیگران پیشی بگیرند، رقابت آنها که در ابتدا به صورت ملایم می باشد، به تدریج شدت یافته و بر رشد اجتماعی آنان اثر می گذارد. بنابراین معلم باید رقابت سالم و سازنده بین کودکان را تقویت و تشویق کند و همکاری بین آنها را افزایش بخشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۴). اما در مدارس شلوغ و پر جمعیت که معلمان با انبوهی از دانش آموزان و وظایف و تکالیف متعدد مواجه هستند، برای معلمان فرصت کمی باقی می ماند تا به مشکلات و نیازهای هر یک از دانش آموزان توجه کنند. به همین خاطر ممکن است دانش آموزی که در مورد وضع تحصیلی یا اجتماعی یا شخصی خود به کمک نیاز دارد و امید

به دریافت کمک هم ندارد، برای جبران به رفتار بزهکارانه روی آورد تا از این طریق تا حدودی جلب توجه کرده و احساس موفقیت کند (نوابی نژاد، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

### نقش معلم:

نقش معلمان در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین نقش ها در سیستم آموزشی و جامعه است. معلمان به عنوان افرادی که بیشترین زمان را با دانش آموزان در مدارس و محیط های آموزشی می گذرانند، نقش بسیار مهمی در شکل دهی به شخصیت، ارزش ها و رفتارهای دانش آموزان دارند. در ادامه، به برخی از نقش های معلمان در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات اشاره خواهیم کرد:

۱- آموزش ارزش های انسانی: معلمان نقش اساسی در آموزش ارزش های انسانی مانند احترام به دیگران، صداقت، مسئولیت پذیری، همدلی و عدالت دارند. این ارزش ها به دانش آموزان کمک می کنند تا رفتارهای مثبت و سازنده را در جامعه نشان دهند.

۲- پیشگیری از خشونت و آزار: معلمان باید به عنوان نقطه قوت در پیشگیری از خشونت و آزار در مدارس و جامعه شناخته شوند. آن ها باید به دانش آموزان آموزش دهند که چگونه با دیگران به صورت محترمانه برخورد کنند و چگونه به دیگران کمک کنند که قربانی خشونت یا آزار نشوند.

۳- ترویج اخلاق و رفتارهای صحیح: معلمان با نشان دادن رفتارهای صحیح و اخلاقی به عنوان نمونه برای دانش آموزان، می توانند به شکل فعال در ترویج اخلاق و رفتارهای صحیح در جامعه شرکت کنند.

۴- شناسایی و پیشگیری از انحرافات: معلمان نقش مهمی در شناسایی دانش آموزان مستعد انحرافات دارند و می توانند با ارائه راهکارهای مناسب و پشتیبانی، از وارد شدن آن ها به مسیر انحرافات جلوگیری کنند.

۵- همکاری با خانواده: معلمان می توانند با همکاری با خانواده ها، به تقویت ارتباطات خانوادگی-مدرسه و حمایت از خانواده ها در پرورش فرزندان کمک کنند.

۶- ارائه راهکارهای رفع تضادات و اختلافات: معلمان می توانند با ارائه راهکارهای مناسب برای حل تضادات و اختلافات در جامعه، به پایداری و صلح آمیزی در جامعه کمک کنند. با توجه به نقش حیاتی معلمان در شکل دهی به شخصیت و رفتار دانش آموزان، آموزش و پرورش باید تلاش کند تا نقش معلمان را در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات تقویت کند و منابع لازم برای آموزش و پشتیبانی معلمان فراهم کند.

به طور کلی، مهم ترین نقش های معلم در پیشگیری یا بروز بزهکاری در دانش آموزان را می توان چنین برشمرد:

### الف- الگوپذیری دانش آموزان از معلم:

دانش آموزان الگو پذیری مطلوبی از معلمان خود دارند. اگر معلمان الگوهای صحیحی در جهت تطبیق دانش آموزان با ارزش های جامعه ارایه دهند، دانش آموزان سعی می کنند خود را با قوانین اجتماعی هماهنگ سازند. همچنین اگر معلمان دارای انضباط اجتماعی و وجدان کاری باشند و این روحیه را در فراگیران خود نهادینه کنند، دانش آموزان تمایلی به سمت بزهکاری پیدا نخواهند کرد.

### ب- تدریس مطلوب:

اگر معلمان در هنگام تدریس، الگوی صحیح داشته باشند، یادگیری در دانش آموزان معنادار می شود و آنها در اثر رشد گام به گام، به اهداف آموزشی که همان وضعیت مطلوب است خواهند رسید. تدریسی که زمینه ابتکار را در دانش آموزان ایجاد نکند، خسته کننده بوده و کم کم روحیه رخوت و سستی را در دانش آموزان به وجود می آورد. در نتیجه بسیاری از دانش آموزان رغبت خود را به درس خواندن از دست داده و با افت تحصیلی رو به رو می شوند. پر واضح است دانش آموزانی که در امور تحصیلی ناموفق هستند، رفتاری نامناسب و نابهنجار داشته، که این امر خود نشان دهنده کشیده شدن آنها به سوی بزهکاری می باشد. البته نابهنجاری در محیط درسی ممکن است فقط نتایج آنی نداشته و کودک را در آن زمان به بزهکاری یا انحراف اجتماعی نکشاند و فقط منجر به ترک تحصیل، ولگردی و تنبلی او شود؛ ولی این مسئله ممکن است در آینده باعث بروز اختلالات فراوان مادی و معنوی در زندگی شخصی کودک شود.

### پ- شیوه تدریس با توجه به مدیریت زمان:

اگر معلمان تدریس خود را با زمان تطبیق دهند بهتر می توانند مفاهیم را مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. اما متأسفانه در واحدهای آموزشی به مفهوم زمان توجهی نمی شود و در هنگام تدریس، غیر تخصصی عمل می کنند و زمینه دل سردی و منزوی شدن را در دانش آموزان فراهم می کنند که این امر ممکن است باعث فراهم ساختن زمینه های بزهکاری شود.

### ت- مدیریت عاطفی:

اگر معلمان امانت داری، مهربانی، مراعات آداب و رسوم اجتماعی، فصاحت، بلاغت، سعه صدر، اخلاص، تخصص، تعهد، تقوا و وجدان جمعی داشته باشند، دانش آموزان به آنان علاقه مند شده و کلاسی با نشاط و با کیفیت برگزار خواهد شد. از طرفی، معلمان باید با دانش آموزان با توجه به خصوصیات رفتاری آنها برخورد کنند. ولی متأسفانه در بسیاری از واحدهای آموزشی بین

معلمان و دانش آموزان روابط خصمانه ای حکم فرماست که باعث می شود طرفین تمام سعی و تلاش خود را در جهت تضعیف همدیگر به کار گیرند. این امر در نهایت صدمات جبران ناپذیری را به خصوص بر فراگیران وارد خواهد ساخت و فضای آلوده و روحیه انزوا طلبی را در دانش آموزان به وجود خواهد آورد که این مسئله خود از عوامل گرایش دانش آموزان به انواع انحرافات اجتماعی خواهد بود (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳: ۲۹۹-۲۹۶).

#### ث- تمسخر و سرزنش:

روان شناسان معتقدند معلمی که پیوسته با کودکان در مبارزه بر سر قدرت است و به رفتاری چون: استهزاء و تمسخر، سرزنش و تحقیر آنان دست می زند، نفرت را به جایی می رساند که اکثر دانش آموزان و حتی بچه های خوب کلاس را به شورش و رفتار خصمانه می کشاند (نوابی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۱۸).

#### ج- کلید حل مشکلات:

هیچ کس به اندازه معلم برای آفریدن یک محیط مساعد و دل پذیر صمیمی و توأم با گذشت و همکاری مسئولیت ندارد؛ چرا که در جریان تعلیم و تعلم در شرایط آموزشی، معلم نقش کلید مشکلات را برعهده دارد و خلاقیت از آن اوست. معلم در حقیقت مانند پیام آوری است که با پیام های خود دل های مرده انسان ها را حیات می بخشد و آنها را از جهل و نادانی به علم و دانش راهبری می کند. در کلاس درس هیچ چیز بدتر از آن نیست که معلم تحت تأثیر عوامل مختلف درونی یا خارجی از شدت ناراحتی به دانش آموز توهین کند و او را از خود برنجاند. اگر معلمی نتواند خود را کنترل کند، نباید انتظار داشته باشد تا دانش آموزان از او اطاعت کند.

#### چ- بی توجهی معلم:

تعداد زیاد دانش آموزان، حقوق غیر مکفی، وظایف فوق برنامه مسئول خانواده و فشارهای مختلف اداری و اجتماعی که به مدرسه و معلمان وارد می شود ممکن است موجب احساس عدم امنیت کارکنان آموزشی شود؛ به ویژه در شهرهای کم جمعیت که رفتار معلمان در معرض داوری افکار عمومی است. معلمانی که ترس، اندوه باری، خجالت، افسردگی و نظیر این نوع حالات عاطفی را در بین نوجوانان نادیده گرفته و اهمیت نمی دهند و تصور می کنند که نقش و وظیفه آنها فقط انتقال مثنی مطلب آموختنی از ذهن خود و صفحات کتاب به مغز نوجوانان است، سخت در اشتباه هستند. این قبیل معلمان فقط به نقش آموزش خود توجه دارند و وظیفه پرروشی و تربیتی خود را یا نمی دانند و یا فراموش کرده اند که این امر شرایط ترس و اندوه باری و خجالت را فراهم می آورد (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ۲۸۰-۲۷۸).

## ح- ویژگی های اخلاقی:

کودک در مسیر رشد طبیعی، روند اجتماعی شدن را از طریق همانند کردن خود با والدین و بزرگسالان دیگر طی می کند. او از طریق مشاهده رفتار دیگران سعی در یادگیری و تقلید الگوهای رفتاری جدید داشته و بر آن است تا شخصیت خویش را با دیدگاه ها و ارزش های افراد مهم در زندگی خود هماهنگ سازد. در این ارتباط، مهم ترین منبع همانند سازی کودک در مدرسه، بعد از والدین، معلم می باشد. کودک با پذیرش رفتارهای معلم به عنوان الگو و سرمشق، هویت اجتماعی متزلزل خویش را استحکام می بخشد. اگر شخصیت معلم دارای صفات انسانی از قبیل مهرورزی، نوع دوستی، درستکاری، همکاری، خویشتن داری و ایمان باشد، طبیعتاً تقلید چنین ویژگی هایی سلامت روانی کودک را تضمین خواهد کرد. ولی اگر شخصیت معلم دچار اختلال و ناپسامانی باشد، یعنی رفتارهایی خلاف هنجارهای اجتماعی از او سر بزند، در چنین وضعی همانندسازی کودک با معلم حاصلی جز رفتارهای ناپهنجار و اختلالات سازگاری نخواهد داشت (امیری، ۱۳۸۷: ۵۳).

## نقش محتوای آموزشی در بروز یا پیشگیری از انحرافات اجتماعی:

اگر محتوای کتاب های درسی با قوه درک و فهم کودکان و نوجوانان مطابقت داشته باشد، در ایجاد انگیزش و تحریک حس کنجکاوی آنها مفید خواهد بود و در نتیجه بهتر مفاهیم درسی را درک می کنند و در امور تحصیلی موفق می شوند و در نهایت گرایشی به سمت انحرافات اجتماعی پیدا نخواهند کرد. اما متأسفانه اغلب محتوای کتاب های درسی، بر اساس حیطه شناختی (دانش و فهمیدن) تدوین شده و یا فقط در ارزشیابی به این دو سطح توجه می شود که سطح اول به تجزیه و تحلیل عقلی مرتبط نیست و فقط به حفظ طوطی وار مطالب و باز پس دهی اشاره دارد. این گونه مطالب نه تنها به پویایی و خلاقیت نمی انجامد، بلکه باعث انجماد فکری هم می شود. به همین دلیل پرسش ها و تمرین های کتاب ها باید در جهت ارزشیابی قلمروها، حیطه ها و سطوح متعدد در ابعاد شناختی، عاطفی، روانی و حرکتی باشد. اگر محتوای کتاب های درسی بدون در نظر گرفتن هدف های آموزشی تنظیم شود، باعث بی توجهی دانش آموزان به مطالب کتاب درسی خواهد شد و یک نوع سردرگمی و به بیراهه رفتن را در ذهن و فکر دانش آموزان به وجود می آورد. پس باید در تدوین کتب درسی، ظرفیت ها، توانمندی ها و قابلیت های کودکان و نوجوانان را مدنظر قرار داد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳: ۳۰۲).

## بحث و نتیجه گیری:

بحث در مورد نقش معلم در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات بسیار مهم است زیرا معلمان به عنوان افرادی که بیشترین تأثیر روی دانش آموزان دارند، می توانند نقش بسیار مهمی در اصلاح گری جامعه و پیشگیری از انحرافات داشته باشند. اولاً، معلمان باید به عنوان الگوهای اخلاقی و اجتماعی برای دانش آموزان خود عمل کنند. آن ها باید ارزش ها و اخلاقیات را به دانش آموزان القا کنند و نشان دهند که چگونه با رفتارهای خود می توانند به عنوان نمونه ای برای دیگران عمل کنند. ثانیاً، معلمان باید فضاهای آموزشی را به گونه ای طراحی کنند که به دانش آموزان اجازه دهند تا درباره مسائل اخلاقی و اجتماعی مختلف بحث و گفتگو کنند. این فضاها می توانند به دانش آموزان کمک کنند تا ارزش ها و اخلاقیات را درک کرده و در تصمیم گیری های خود از آن ها استفاده کنند. سوماً، معلمان باید به دانش آموزان مهارت های ارتباطی، حل مسئله و تصمیم گیری را آموزش دهند تا بتوانند در مواجهه با مسائل اجتماعی و اخلاقی به شکل موثر عمل کنند. با استفاده از این راهکارها، معلمان می توانند به عنوان اصلاح گران جامعه و پیشگیران از انحرافات فعالیت کرده و به شکل موثری در تربیت نسل های سالم و با ارزش های قوی کمک کنند. به طور کلی، نقش معلم در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات بسیار حیاتی است و باید به شکل جدی توجه شود تا بتوان به شکل مؤثری در ساختار و فرآیندهای اجتماعی تأثیر گذار بود.

## راهکارها و پیشنهادات:

برای اجرای نقش مهم معلم در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات، می‌توانید از راهکارهای زیر استفاده کنید:

- ۱- آموزش ارزش‌ها و اخلاقیات: معلمان باید درس‌ها و فعالیت‌های آموزشی را بر اساس ارزش‌های اجتماعی و اخلاقیاتی طراحی کنند و به دانش‌آموزان ارزش‌هایی همچون احترام به دیگران، صداقت، مسئولیت‌پذیری و همدلی را آموزش دهند.
  - ۲- ایجاد فضای آموزشی پویا و مشارکتی: معلمان می‌توانند فضاهای آموزشی را به گونه‌ای طراحی کنند که دانش‌آموزان بتوانند در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به موضوعات اخلاقی و اجتماعی شرکت کنند. ۳- تربیت مهارت‌های ارتباطی: معلمان می‌توانند به دانش‌آموزان مهارت‌های ارتباطی موثر را آموزش دهند تا بتوانند در روابط خود با دیگران، به شکلی سازنده و موثر ارتباط برقرار کنند.
  - ۴- تشویق به احترام به تفاوت‌ها: معلمان می‌توانند فضاهایی را فراهم کنند که دانش‌آموزان با تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی آشنا شوند و احترام و تقدیر از این تفاوت‌ها را یاد بگیرند.
  - ۵- راهنمایی و مشاوره: معلمان می‌توانند به دانش‌آموزان راهنمایی و مشاوره ارائه دهند تا با مواجهه با مسائل و مشکلات اجتماعی و روانی، به بهترین شکل ممکن از این موارد عبور کنند.
  - ۶- همکاری با خانواده‌ها و جامعه: معلمان باید با خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی همکاری کنند تا به شکل جامع و هماهنگ در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات فعالیت کنند.
- با این راهکارها، معلمان می‌توانند به شکل موثری در اصلاح گری جامعه و مقابله با انحرافات فعالیت کنند و نقش بسیار مهمی را در این زمینه داشته باشند.

## منابع:

- نهج البالغه، ترجمه محمد دشتی. (۱۳۹۳). چاپ دهم، قم: موعود اسلام.
- رضایی، مهدی. (۱۳۹۳). نقد جای گاه و نقش معلم در اندیشه ی تربیتی پست مدرنیسم، مطالعات تحول در علوم انسانی، شماره ۳.
- کاوه، محمد، (۱۳۹۱)، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی (جلد اول)، تهران: نشر جامعه شناسان، چاپ اول ۱۳۹۱.